

نبرد در کمین های پنجه گرگی

گزارش عملیات خیبر

نگاهی به حمله جاسی لشکر ۷ حضرت ولیعصر (عج)

در هشت سال دفاع مقدس

جلد ششم

عبدالرضا سالمی نژاد

سرشناسه: سالمی نژاد، عبدالرضا، ۱۳۴۰ -

عنوان و نام پدید آور: نبرد در کمین های پنجه گرگی: گزارش عملیات خیبر / عبدالرضا سالمی نژاد؛ محقق عبدالمحمد کوچک؛ مشاور نظامی عبدالمحمد رثوفی فر؛ مدیریت پروژه سپاه حضرت ولیعصر (عج) استان خوزستان، ستاد تدوین عملکرد لشکر ۷ ولیعصر (عج)؛ طرح، نظارت و کنترل محتوایی عبدالمحمد کوچک؛ خدمات عکس و آرشیو بصری منوچهر مهدی پور؛ مصاحبه گران عبدالمحمد کوچک، سید حسن موسوی طیب؛ یعقوب آتش دزفولی.

مشخصات نشر: تهران: نیلوفران، ۱۳۹۶.

مشخصات لاهری: ۶۴۸ ص.: مصور (رنگی).

فروست: نگاه به حضور حماسی لشکر ۷ حضرت ولیعصر (عج) در هشت سال دفاع مقدس؛ ۶. شابک: ۷۰-۰۵-۷۹۳۵-۶۰۰-۹۷۸؛ ۰۰-۵۹-۷۹۳۵-۶۰۰-۹۷۸؛ ج. ۶

وضعیت فهرست نویسی: ف.

عنوان دیگر: گزارش عملیات خیبر.

موضوع: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (دزفول). لشکر هفت حضرت ولیعصر (عج)

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- خاطرات

موضوع: Iran-Iraq War, 1980-1988 -- Personal narratives

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷

موضوع: Iran-Iraq War, 1980-1988

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- عملیات خیبر

موضوع: Iran-Iraq War, 1980-1988 -- Operation Khaybar

شناسه افزوده: کوچک، عبدالمحمد، ۱۳۴۱ -

شناسه افزوده: رثوفی فر، عبدالمحمد، ۱۳۳۵ -

شناسه افزوده: مهدی پور، منوچهر، ۱۳۳۹ -

شناسه افزوده: موسوی طیب، سید حسن، ۱۳۳۸ -

شناسه افزوده: آتش دزفولی، یعقوب، ۱۳۴۲ -

شناسه افزوده: نجارزاده، علی، ۱۳۴۱ -

شناسه افزوده: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (خوزستان). سپاه حضرت ولیعصر (عج)

شناسه افزوده: نگاهی به حضور حماسی لشکر ۷ حضرت ولیعصر (عج) در هشت سال دفاع

مقدس؛ ج. ۶.

رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ج. ۶ ان ۱۶ س / DSR1۶۲۸

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۷۳۳۱۰۹



نام کتاب: نبرد در کین های پنجه گرگی / گزارش عملیات خیبر
نویسنده: عبدالعزیز سالمی نژاد

محقق: سر تیپ دوم پاسدار عبدالمحمد کوچک

مشاور نظامی: دکتر عبدالرحمن درثوفی نژاد

مدیریت پروژه: سپاه پاسداران ولیعصر (عج) خوزستان و ستاد تدوین عملکرد لشکر ۷ ولیعصر (عج)

طرح، نظارت و کنترل محتوایی: سر تیپ دوم پاسدار عبدالمحمد کوچک

خدمات عکس و آرشیو بصری: منوچهر مهدی

مصاحبه گران: سر تیپ دوم پاسدار عبدالمحمد کوچک، سیدحسن موسوی طیب، یعقوب آتش دزفولی

ویرایشگران متن: سر تیپ دوم پاسدار عبدالمحمد کوچک، سرهنگ یعقوب آتش دزفولی

نقشه های عملیاتی: سر تیپ دوم پاسدار عبدالمحمد کوچک

انتشارات: نیلوفران

طرح جلد: حسین سالمی نژاد

شمارگان: ۱۲۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۶

قیمت: ۴۸۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۹۳۵-۵۹-۰۰

شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۷۹۳۵-۰۵-۷

02144443162 09125497040 09163450887 09161130561

www.niloofaran.com info@niloofaran.com

فهرست

۱۱	پیشگفتار
۱۷	عملیات خیر در یک نگاه
	فصل اول / گزارش آماده سازی و استقرار
۲۷	تکاپو برای خروج از بن بست
۲۹	دفاع ۱۶۰ درجی
۳۵	خبری از رخ از قرارگاه سری نصرت
۴۰	حفاظت از اطلاعات، بلع اطلاعاتی
۴۳	طرح ریزی برابر اجرای عملیات
۴۴	عملیات احداث خا سراز و حفر تانک
۵۹	عملیات جذب و سازماندهی نیرو
۶۳	اجرای طرح «لیک یا خمینی»
۶۶	عملیات تعاون
۶۷	تقویت بنه های تدارکاتی
۸۰	عملیات مهندسی
۸۲	عملیات تبلیغ و تقویت روحیه
۸۵	عملیات ارتباطات مخابراتی
۸۹	عملیات ساماندهی و آماده سازی بهداری لشکر
۹۹	آموزش سکانی
۱۰۸	شکل گیری گردان ادوات مکانیزه لشکر
۱۱۵	عملیات ثبت و تطبیق آتش
۱۱۹	چالش زمین های مسلح
۱۲۴	عملیات فنی مهندسی
۱۲۸	شکوفایی نبوغ و خلاقیت در عبور از موانع

- ۱۲۹ (۱) دیده بانی از عمق راهبردی دشمن
- ۱۳۰ (۲) عبور از دید و تیر سنگرهای کمین
- ۱۳۱ (۳) مقابله با پیچیدگی های مصنوعی زمین
- ۱۳۲ (۴) مقابله با ائتلاف زمان
- ۱۳۳ (۵) عبور از سیم های خاردار فرشی
- ۱۳۴ (۶) عبور از کانال های آب عمیق و نیمه عمیق
- ۱۳۶ (۷) عبور از کانال های عریض آب
- ۱۳۷ (۸) مقابله با دشمن و تیربارهای دشمن
- ۱۳۷ موج و صایا نویسی
- ۱۳۸ آخرین آمادگی ها

فصل دوم / اندیشه و رید و طلائی، پدافند در جزایر مجنون

- ۱۴۳ عملیات هایی برای فریب
- ۱۴۳ موقعیت منطقه عملیاتی خیبر
- ۱۴۴ وضعیت استقرار دشمن
- ۱۴۴ اهداف عملیات و طرح مانور
- ۱۴۶ مباحث داخلی قرارگاه فرعی
- ۱۴۸ تفاوت در ادغام
- ۱۵۰ ظهور فرمانده عالی جنگ و تشکیل قرارگاه خاتم الانبیا (ص)
- ۱۵۲ انجام شناسایی های عجولانه
- ۱۵۵ سازمان رزم لشکر
- ۱۵۶ نبرد نابرابر در زید
- ۱۵۹ عملیات تخریب
- ۱۶۳ عملیات امداد و نجات
- ۱۷۱ عملیات تخلیه شهدا

۱۷۳	علل ناکامی در زید
۱۷۶	کوتاهی و اهمال یا غافلگیری
۱۷۹	شور ستادی برای عبور از تنگنا
۱۸۰	تغییر میدان نبرد
۱۸۳	عملیات جابجایی، از زید به طلائی
۱۸۸	استقرار توپخانه و ادوات
۱۹۴	شناسایی ها، تعجلی
۱۹۷	نبرد در طلائی
۲۱۰	ماموریت تیپ زرد، مامور
۲۱۴	عملیات تخلیه شهر
۲۱۵	عملیات پوشش هوایی
۲۲۲	علل ناکامی در طلائی
۲۲۳	عملیات حفظ جزایر با تمام قدرت
۲۲۵	مقابله با حملات شیمیایی
۲۲۸	ماموریت به جزایر مجنون
۲۳۱	ارزیابی عملیات خیبر
۲۳۲	نتایج عملیات
۲۳۲	بازتاب سیاسی

فصل سوم / گزارش نقش آفرینی گردان های تیپ یک پیاده

۲۳۹	کادر فرماندهی و ستاد تیپ ۱
۲۵۵	گردان ایثار
۲۷۰	گردان خاتم الانبیاء
۲۷۸	گردان قدس
۳۰۵	گردان کربلا

فصل چهارم / گزارش نقش آفرینی گردان های تیپ دوم پیاده

۳۱۷	کادر فرماندهی و ستاد تیپ ۲
۳۴۷	گردان عمار
۳۹۱	گردان بلال
۴۱۸	گردان ذوالفقار

فصل پنجم / گزارش نقش آفرینی گردان های تیپ سوم پیاده

۴۴۵	کادر فرماندهی و ستاد تیپ ۳
۴۷۷	گردان یاسر
۵۰۱	گردان قائم
۵۶۰	گردان ابوذر

فصل ششم / اسامی، اسناد، عکس ها

۶۰۳	اسامی روایتگران این مجموعه
۶۰۸	اسناد
۶۰۹	نقشه ها
۶۱۲	عکس رزمندگان در عملیات
۶۲۹	عکس روایتگران

پیشگفتار

فرار شاه ایران در ۲۶ دی ماه ۱۳۵۷ و تأثیر کشیدن مجسمه او در میدان اصلی شهر دزفول که همزمان با حمله به مرکز شهربانی در کرچه کشتن و ساختمان ساواک در خیابان آفرینش بود، حکومت شاهنشاهی را در دزفول ساقط شده اعلام کرد. این فرصت که به انقلابیون با محوریت آیت الله قاضی امکان می بخشید تا دولت محلی خود را با راه اندازی انواع کمیته های آن تشکیل دهند و اداره امور شهر و شمال منطقه حوزه مازنی را به عهده گیرند، عملاً انقلاب اسلامی را در این منطقه، قبل از پیروزی مردم سایر شهرهای ایران (در ۲۲ بهمن) به پیروزی رساند. تشکیل قدرتمند «کمیته انقلاب»، ابتدا در منزل آیت الله قاضی و سپس در مسجد جامع شهر، به اعتقاد نگارنده دورنمایی از هماهنگی، قدرت، توازن و ساختار برداشته سالها بعد منجر به شکل گیری لشکر ۷ حضرت ولی عصر (عج) گردید.

نیروهای جوان و پراکنده کمیته انقلاب که با تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دزفول عملاً واحد عملیات آن را عهده دار شدند، ماموریت یافتند ضمن مهار حرکت های ضدانقلابی در شمال خوزستان، عوامل باقی مانده رژیم شاه را دستگیر و تحویل قانون دهند.

ورود اسلحه و مهمات به کشور، نا آرامی های داخلی با منشاء خارجی، تحرکات مرزی از طرف کشور همسایه، عراق و ایجاد بمب گذاری های متعدد در جای جای شریانهای اقتصادی خوزستان که ریشه در مداخلات تجزیه طلبانه رژیم بعث عراق داشت، کم کم توجه و حضور

جوانان انقلابی دزفول را به سمت مرزهای شمالی و سپس میانی خوزستان کشاندند. نمایش قدرت آنها با حضور داوطلبانه و عاشقانه در عملیات سرکوب و دستگیری جاسوسان حزب بعث، خیلی سریع آنها را به یک نیروی واکنش سریع در آورد و دست استمداد سایر شهرهای خوزستان را از مسجد سلیمان و اهواز گرفته تا سوسنگرد و خرمشهر و آبادان به سمت آنان دراز کرد. درخواست شهید باکری از سپاه دزفول برای مهار ضدانقلاب در آذربایجان و کردستان اوج نمایش قدرتی بود که این سپاه را به عنوان نیروی تاثیر گذار بر معادلات منطقه ای تبدیل کرد.

آغاز جنگ، تحمیلی در مرزهای غربی کشور به خصوص در خوزستان باعث گردید که سپاه دزفول دست به پای خود را جمع کرده و نیروی خویش را در جبهه ای از کرخه تا آن سوی سوسنگرد متمرکز نماید. تشکیل جبهه های جنگ توسط سپاه از شمالی ترین نقطه ایلام تا آن سوی رقیبیه و انجام عملیات شیخون علیه قوای اشغالگر باعث گردید که دشمن نتواند مانور چندانی از خود نشان دهد. (چرخ) پشت رودخانه کرخه زمین گیر شود.

نیروهای جوان مردمی با سپاه دزفول ضمن تشکیل جبهه های جدیدی در مقابل دشمن مثل جبهه بلتا، دالبری، دشت عباس، کرخه، صالح مشطط، تپه چشمه، ملحه، تنگه صعهده، شوش، عنکوش، رقیبیه و.... اقدام به شناسایی از مواضع دشمن و انجام عملیات چریکی و ایذایی علیه آنها کرده و با انجام عملیات موفق آنها را در دستگاه دیاب صوت در منطقه دشت عباس که یکی از اولین عملیات موفق سپاه پاسداران بود، سپاه دزفول را مورد توجه فرماندهی کل سپاه قرار دادند. نیروهای اطلاعات شناسایی این سپاه، همچنان که گفت شد، بعدها شاکله طرح ریزی اطلاعات و عملیات های گسترده فرماندهی کل سپاه پاسداران، انقلاب اسلامی را در این منطقه مرکزیت بخشیده و جوانان این منطقه را در صدر توجه سایر سپاه ها و رده ها نشانادند.

سال اول جنگ میدان آزمایش و آزمون همه افکار و اندیشه های نظامی از همه سازمانهای حاضر در جنگ مانند ارتش، سپاه و گروه های نامنظم و... در مقابله با دشمن بود.

برادران محسن رضایی، حسن باقری، رحیم صفوی و غلامعلی رشید در مقابل افکار ابوشریف و شهیدان بروجردی و ناصر کاظمی که معتقد بودند سپاه یک نیروی نامنظم است^۱ و باید تحت کنترل ارتش به عملیات بپردازد، اعتقاد داشتند که سپاه با ساختار و سازمان تیپ و گردان و با استفاده از نیروهای مردمی و با بهره گیری از تاکتیک های ویژه در صحنه جنگ می تواند حاضر شود و حتی تاثیر گذار هم باشد.

تجربیات به دست آمده در سال اول جنگ که عبارت بود از لزوم وحدت فرماندهی بین ارتش و سپاه، تکیه بر شناسایی و کسب اطلاعات دقیق از دشمن قبل از انجام عملیات، لزوم طرح ریزی عملیات ها بر اساس اصول جنگ، ضرورت افزایش و توسعه توان رزم با استفاده از نیروهای مردمی و ظرفیت های ملی و.... باعث ظهور تفکر خلاق عملیاتی شد که با ترکیبی از تدبیر عقلانی و روحیه شهادت طلبی در سطح جبهه ها گسترده گردید.

راهبرد عملیات محدود و سراسری نامتمرکز از اسفند ماه ۱۳۵۹ تا شهریور ماه ۱۳۶۰ تحت فرماندهی ستا، عملیات جنوب، ضمن اینکه باعث تقویت و توسعه یگان های رزم سپاه گردید، باعث شکل گیری محورهای عملیاتی سپاه در سراسر جبهه ها نیز شد. انجام موفق عملیات «فرمانده کل قوا، ضمن روح خدا»، سپاه را به سمت سازماندهی، آموزش و طرح ریزی عملیاتی سوق داد و کم و کم با تبدیل ستاد عملیات جنوب به قرارگاه کربلا، نیاز به تبدیل شدن یگانهای رزم سپاه به تیپ و گردان را حس شد.

حضور سپاه با ۱۶ گردان نیروی رده در عملیات ثامن الائمه که در سه سازمان قرارگاه تیپی عمل کرد، نخستین تجربه سپاه به سمت شکیبایی و گریز از سختی به کلاسیک بود. در جریان طرح ریزی برای عملیات طریق القدس، در خلق تفکر ۱۲ عملیات تحت عنوان کربلا در قرارگاه عملیاتی مشترک کربلا و ظهور قرارگاهها، سپاه برای انجام عملیات مشترک با ارتش علیه قوای دشمن، سپاه را به سمت توسعه سازمان رزم و تشکیل گردان ها و تیپ های متعدد سوق داد.

انجام عملیات طریق القدس با مسئولیت قرارگاه کربلا به دو ماهی شهید منفرد نیکی از ارتش و غلامعلی رشید از طرف سپاه و حضور موثر سپاه تحت ۴ تیپ عملیاتی حرکت با گامهای بلند در مسیر گسترش و توسعه سازمان رزم به حساب می آمد.

واحد عملیات سپاه دزفول که برای آموزش، انسجام و سازماندهی نیروهای مردمی از قبل از شروع جنگ تحمیلی اقدام به حضور در پادگان کرخه نموده و ساختاری مستقل از سپاه دزفول را پی ریزی نموده بود، با شروع جنگ و با ناامن شدن پادگان کرخه که در نزدیکی میدان نبرد بود، سازمان خود را به پادگان دوکوهه انتقال داد.

تجربه تشکیل گردان برای اولین بار قبل از عملیات طریق القدس به دست آمد که نیروهای رزمنده دزفولی تحت عنوان گردان دزفول در این عملیات با مأموریت گردانی خط شکن شرکت نمودند. نیروهای شمال خوزستان (اندیمشک، شوش، دزفول) نیز تحت عنوان گردان

دزفول اولین تجربه رزم سازمان یافته خود را در حین همین عملیات به دست آوردند و کم کم زمینه های تشکیل تیپ دزفول یا تیپ ۷ حضرت ولیعصر (عج) در عملیات فتح المبین را پدید آوردند.

به دنبال تشکیل موفق ۳ تیپ مستقل سپاه برای اجرای عملیات پیروز طریق القدس و با توجه به ضرورت تداوم عملیات ها با قواره های بزرگ سرزمینی، فرماندهی کل سپاه تصمیم به تشکیل تیپ های مستقل دیگر با تکیه بر ظرفیت های استانی گرفت که تشکیل تیپ ۷ دزفول یکی از اولین ها بود.

کمیته های پشتیبانی های مادی و معنوی مردم دزفول در کنار حضور پر رنگ جوانان آن در پیکره تیپ، نقش بی بدلی در شکل گیری و موفقیت های لشکر داشت که در ضمیر فرماندهان و رزمندگان از جایگاه خاصی برخوردار است: «در واقع تیپ ۷ حضرت ولیعصر (عج) مانند سایر تیپ ها که هر کدام از جوانان ظرفیت یک استان بهره مند بودند اما تیپ ۷ ولیعصر (عج) تنها از توان و ظرفیت شهرستان دزفول بهره مند شد و این نشان دهنده توان و ظرفیت مردم دزفول و نقش آنها در جبهه های جنگ بود». از این به بعد بود که تبلیغات بسیار وسیعی هم در جبهه و هم بین مردم در رابطه با معرفی و اعلام موفقیت تیپ ۷ ولیعصر (عج) دزفول صورت گرفت.^۱

تشکیل تیپ ۷ حضرت ولیعصر (ع) برای حضور در عملیات فتح المبین و نقش آفرینی آن چه در تامین و پشتیبانی رزم سایر یگان های تازه تاسیس سپاه و چه در این عملیات راهبردی، از مهمترین دست آوردهای جوانان این خطه در سالی آغازین جنگ می باشد که منجر به آزادسازی بخش مهمی از خاک میهن اسلامی شد و مردم دزفول بجه حمایت های مادی و معنوی شان از سازمان رزم خود را به عیان مشاهده کردند.

این تیپ پس از آنکه شایستگی های خود را در عملیات های بیت المقدس در رمضان همچنان به عنوان یک تیپ پیاده قدرتمند نشان داد، برای حضور در عملیات والفجر مقدماتی به یک لشکر تبدیل شد و در این عملیات و عملیات والفجر ۱ عهده دار مسئولیتهای خطیری گردید.

در ۵ مجلد پیشین نقش لشکر ۷ حضرت ولیعصر (عج) در عملیات های فتح المبین (جلد ۱)، بیت المقدس (جلد ۲)، رمضان (جلد ۳)، والفجر مقدماتی (جلد ۴)، والفجر ۱ (جلد ۵) پرداخته شد و در این مجلد به نقش این لشکر در عملیات خیبر در اسفند ماه ۱۳۶۲ پرداخته می شود.

لشکر ۷ حضرت ولی عصر (عج) که در عملیات خیبر حضوری چشمگیر از خود نشان داد

و رزمندگان این لشکر موفق به انهدام بخش زیادی از نیروها و ماشین جنگی ارتش بعث عراق در زید و طلائی شدند، علاوه بر آن در ادامه جنگ تحمیلی در هشت عملیات بزرگ دیگر با ساختاری وسیع تر حضوری مقتدرانه از خود به نمایش گذاشتند که کتاب حاضر جلد ششم از مجموعه ۱۴ جلدی این حضور حماسی است.

در این اثر، تلاش نگارنده بر آن است که ابتدا دورنمایی از عملیات خیبر را در سطح کلان اما بسیار مختصر به مخاطب خود نشان دهد تا جایگاه لشکر در آن حماسه شگرف مشخص تر به چشم آید. در ادامه، کتاب به هفت فصل تقسیم شده است: در فصل اول تحت عنوان گزارش آماده سازی، استقرار، تلاش بر این است که به چگونگی آمادگی واحدهای تیپ برای حضور در عملیات و چگونگی استقرار آنها در منطقه عملیاتی مورد نظر، پرداخته شود. با توجه به همزمانی شکل گیری برخی واحدهای لشکر در جریان همین آماده سازی، لذا به روند شکل گیری این واحدها نیز توجه شده است.

در فصل دوم بر اساس مصاحبه های گرفته شده با فرمانده لشکر، برادر عبدالمحمد رئوفی فرو جانشین محترم ایشان برادر محمدحسن برسه چی و دیگر فرماندهان و مسئولین لشکر، گزارش کاملی از حضور لشکر در عملیات ارائه شده است. چگونگی تعیین محور حمله لشکر به قوای دشمن در مراحل مختلف عملیات و همچنین میزان موفقیت و عدم آن در نبرد با دشمن نیز بررسی شده است.

فصل سوم تا پنجم که اختصاص به گزارش عملیاتی تیپ های حمل کننده لشکر در مراحل مختلف آن دارد اگر چه خود تشریح کامل تری از بخش دوم کتاب می باشد اما چگونگی عملیات با جزئیات بیشتری فراوری مخاطبین قرار گرفته است. با توجه به اینکه تیپ ها نوک حمله هر عملیات می باشند و همواره بخش درگیری مستقیم و سخت هر عملیات به عهده آنها می باشد، بی شک خاطرات فرماندهان و نیروهای آنها شنیدنی تر و ارزشیابی ها دقیق تر خواهد بود. از طرفی برای پرهیز از مطالب تکراری تلاش شده است که اثر از اختصار بیشتری برخوردار باشد؛ اما با این همه نتوانستیم خود را از خاطرات کمیاب، شنیدنی و زیبای نیروهای هر گردان بی بهره سازیم که در ادامه به اختصار آمده است.

فصل پایانی کتاب با عنوان «ضمائم» به برخی اسناد، مدارک، نقشه های عملیاتی و تصاویر رزمندگان لشکر ۷ اختصاص یافته است.

شایان ذکر است که برای اختصار در بیان مرجع مصاحبه های این کتاب، فقط به این نکته اشاره

می شود که صوت و تصویر کلیه مصاحبه ها در ستاد تدوین عملکرد لشکر ۷ موجود می باشد. جا دارد از سردار عبدالمحمد کوچک و تمامی همکاران سخت کوش او در ستاد تدوین عملکرد لشکر ۷ و لیعصر (عج) در ۸ سال دفاع مقدس که از ۲۱ اسفند ماه سال ۱۳۹۲ تا ۳۰ آبان ماه ۱۳۹۴ با جمع آوری سخنرانی ها، دست نوشته ها و انجام مصاحبه با ۲۳۵ نفر از فرماندهان، مسئولین و نیروهای رزمنده لشکر ۷ حضرت ولیعصر (عج) اساس این پژوهش را به خود اختصاص داده اند، سپاسگزاری کنم. همچنین از راهنمایی های بی شائبه سردار حسن شاهوارپور، فرمانده سپاه حضرت ولیعصر (عج) استان خوزستان در خلق این اثر کمال تشکر و امتنان را دارم. پیشاپیش از فرماندهان و رزمندگان شجاعی که با کمال حوصله در مصاحبه ها حضور یافته و سخوت و نه اطلاعات و خاطرات خود را در اختیارمان گذاشتند، نهایت سپاس را دارم و از اینکه خواست یا نه خواهی به مجبور به حذف بسیاری از مطالب آنها شده ام، خاضعانه عذرخواهی می کنم. امیدوارم اطلاعات بسیار زیبا و مهم آنها در دیگر آثار اینجانب یا دوستان فرهیخته ام مورد استفاده قرار گیرد. باید اذعان کنم که برخی از مصاحبه ها به تنهایی ارزش تبدیل شدن به یک کتاب مستقل را دارا نیستند که ان شاء الله در فرصت های بعدی به آنها پرداخته خواهد شد.

اینجانب با تقدیم خالصانه ترین سپاس ها، سمیانه ترین درودهایم به پیشگاه خانواده معظم شهدا به خصوص خانواده شهدای گرانقدر عملیات خیبر که با تقدیم بهترین فرزندان خود، عزت، شکوت و غرور دینی را به کشور اسلامی ما بخشیدند، از خداوند متعال، تعالی هر چه بیشترشان را خواستارم و امیدوارم فرزندان شان همچون که در این دنیا باعث عزت و سربلندی مسلمین شدند، در آخرت نیز ما را از شفاعت خود بهره مند سازند. ان شاء الله

بدالرضا سالمی نژاد